

یادداشت

در مذمت هیئت امنایی شدن «انجمن سینمای جوانان ایران»

حسین ریگی - فیلم‌ساز

● اوایل دهه ۷۰ بود، نوجوان بودم و در آستانه جوانی، به تازگی پشت لیم سبز شده بود که با نماد سبزرنگ خیره‌کننده‌ای در گوشه‌ای دنج از خیابان شهید بهشتی زاهدان آشنا شدم. بی اختیار جذب جلوه‌گری مبهم و دلنشین آن نماد و بعد آن در قدیمی و به‌یادماندنی شدم... اولین گام‌های پریه‌چانم را در راه‌پله ورودی آن ساختمان خاطره‌انگیز هنوز به یاد دارم. صدای تیش ماجراجویانه قلمب در آستانه ورود به «سینما» در گوشه‌ای بسیار دور از پایتخت؛ زاهدان ورچاوند. امروز وقتی شنیدم که «نماد سبز انجمن سینمای جوانان» رو به زردی گذاشته و عده‌ای قصد هرس کردن آن را دارند، پژمرده شدم، خشک شدم، جواب قانع‌کننده‌ای برای کرد سپیدی که بر موهابیم نشسته نداشتم و خیلی دلم گرفت؛ غصه‌دار از خشک شدن کهنه‌درخت تنومندی که ریشه در جای جای ایران عزیز دوانده؛ از زاهدان و سنجند و بندرعباس و ترکمن‌صحرا گرفته تا اندیمشک و یاسوج و حتی تهران... این روزها مشغول مرور چند واژه در پیچ‌وتاب ذهن و ذهنیت شده‌ام. «هیئت» یعنی چه؟ «امنا» مگر جمع واژه «امین» نیست؟ پس انجمن یعنی چه؟ جوانان مگر امن و امین نیستند؟ حتما می‌دانند سینما یک کالای لوکس پایتخت‌نشین نیست. حتما می‌دانند امروز ایران چقدر مرهون ایده‌ها و سوزها و لوکیشن‌های بکر حاشیه‌های دور و نزدیک ایران است. حتما می‌دانند شور و اشتیاق سینما را باید با یک نماد سبزرنگ به کهنوج و سقر و اسفراین برد؟ جای دوری برویم، اصلا خود من اگر سینمایی جوانان زاهدان نبود، الان شاید به‌جای آنکه در آستانه ساخت اولین فیلم سینمایی استان باشم، در همان روزهای دور جذب نمادهای رنگارنگ و سیاه و خاکستری دیگری شده بودم و دیگر این «ریگی» نبودم. حالا که می‌خواهم دینم را به روح استاد عباس حداد ادا کنم، عمیقاً افسوس می‌خورم که انجمن سینمای جوانانی نباشد که عباس‌هایی در آن باشند تا دست جوانان را بگیرند و به آنها راه‌رفتن در تخیل را بیاموزند... این مرقومه نه یک وصف‌حال، بلکه هشداری است جدی و به گمانم به‌موقع به نمایندگان مجلس و مسئولان فرهنگی و حتی امنیتی کشور... . هیئت‌امنایی‌شدن انجمن و بازشدن پای عده‌ای از مسئولان محترم شهری در فضای تخصصی را هر تغییری در ساختار انجمن می‌تواند نماد تیری باشد بر قامت تنومند انجمن.



رضا آشفته

با آنکه سسی وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر رو به پایان است و در بخش بین‌المللی اتفاق نابی پیش‌رو نبوده؛ تا اینجا برخی از کارهای آمده از شهرستان‌ها افتخار آفریده و تا حدی آبروی این دوره شده‌اند، اما برخی از کارشناسان در عجب‌اند که چرا نمایش «خانه سیاه است»، کار محسن اردشیر از آمل در هیچ بخش رقابتی‌ای نیست، درحالی‌که این نمایش مهمان به دلیل برخورداری از ترسیم درست کروگرافی (حرکت‌نگاری) می‌توانست یکی از کارهای مهم بخش بین‌الملل باشد. همچنین در این روزها دو نمایش «دریاچه قو»، کار رضا صابری از مشهد و «آشنرلی با موهای خیلی قرمز»، کار امیربه‌پاور اکبرپوردهکردی از شهرکرد با نقد و نظره‌های مثبت و موافق روبه‌رو شده‌اند.

خانه‌سیاه است

محسن اردشیر، کارگردان و طراح نمایش خانه سیاه است، با بهره‌مندی از زندگی و اشعار فروغ فرخزاد به دنبال آن است که دغدغه‌های خودش را در زمانه اکنون روی صحنه بیاورد. خانه سیاه است، نمایشی تلفیقی است که در آن با هدف‌گذاری معین زندگی، آثار و تفکرات فروغ فرخزاد شاعر معاصر ایرانی، بر آن است که ما را نسبت به درون و بیرون و زشت و زیبایمان آگاه کند و در آن فروغ صریح و بدون ماسک را مقابل ما قرار دهد که او دارد با آینه‌شدن در مقابل یک جامعه پر از ماسک مسیر بهتری را نشان می‌دهد؛ این دقیقاً اثبات خویشتن است. فروغی که از این خانه سیاه در گذر است، درواقع ما را در مسیر یک خانه روشن قرار می‌دهد که آن را در چشم‌انداز پیش‌رویمان آشنا می‌کند. در نمایش خانه سیاه است، زندگی تا مرگ فروغ فرخزاد، شاعر و فیلم‌ساز، بررسی می‌شود و البته هدف این است که از او الگویی پیش‌رویمان قرار دهد که نسبت به اجتماع آن روزگار - دهه ۳۰ و ۴۰ - کنش‌مند است، چون یک منتقد اجتماعی و زنی پیشرو دارد. مسیری را برای فعالیت‌های زنان و برابری‌های اجتماعی رقم می‌زند؛ حال‌وهوایی که امروز بخشی از آن عادی شده و بخشی نیز با تلاش خود زنان در حال عادی‌شدن است. در این نمایش که به لحاظ سبک چیزی بین فیزیکال، موزیکال کمدی و میم در حال اجراست، ما به نوعی دیگر و در بی‌کلامی همه چیز و تبلور بدن‌های شعورمند آنچه باید را درک می‌کنیم؛

هنر

آبروی جشنواره سی‌وهفتم تئاتر فجر

فروغ، دریاچه قوی چایکوفسکی و آشنرلی



صحنی از نمایش «خانه سیاه است» به کارگردانی محسن اردشیر

نمایشش بر همین اساس شکل بگیرد.

دریاچه قو

دریاچه قِو، نمایشی افسانه‌وار است که در حالتی شاعرانه و رمانتیک اجرا می‌شود. در آن به زندگی شاهزاده‌ای پرداخته شده که در سن ازدواج و دنبال عشق‌یابی است. دریاچه قو از مشهورترین و پرنمایش‌ترین باله‌های جهان است. پیوتر ایلیچ چایکوفسکی، آهنگ‌ساز روسی، این باله را در سال ۱۸۷۶ نوشت و یک سال بعد، در سال ۱۸۷۷، برای اولین‌بار اجرا شد. چایکوفسکی از آهنگ‌سازان برجسته باله است و باله‌های زیبای خفته و فندق‌شکن از دیگر آثار اوست. باله «دریاچه قو» نخستین‌بار در سال ۱۸۷۷ در تالار بولشوی مسکو روی صحنه رفت. امروزه این نمایش یکی از شناخته‌شده‌ترین نمایش‌ها در ستایش عشق و زیبایی محسوب می‌شود. رضا صابری یک بار دیگر با اجرای دریاچه قو ثابت می‌کند همچنان دوست دارد در صحنه باشد و این‌بار برای آوردن هنرش، به باله جهانی دریاچه قو، اثر چایکوفسکی روسی، رو کرده است و از آن باله با یک دراماتوزی امروزی‌تر، نمایشی تنظیم کرده است که به صورت صحنه‌ای و تلفیق با حرکات موزون اجرا شود. دریاچه قو حرف روز نیست؛ اما عشق امری مقدس و درونی است که در دنیای امروز و در این هولناک‌شدن روابط، افراد بیش‌تر دنبالش می‌گردند و چه چیزی بهتر از اینکه آثار قدیمی‌تر با یک روش و بازنگری به صحنه آورده شوند. می‌دانیم رضا صابری از بزگان تئاتر مشهد است و حضور دوباره او در این شهر نیز باعث رونق تئاتر

خواهد بود. او هم با آسودگی خاطر می‌تواند در فضایی که ایجاد شده است، تولیدات درخوری آماده و حتی به تهران و دیگر شهرها ببرد. روزگاری برای او اجرای تئاتر در مشهد سخت بود؛ چون هیچ امکان و بازنگری در مناسبات معقول برای اجراهایش یافت نمی‌شد؛ اما حالا مشهد هم تئاترشهر دارد و هم در بخش خصوصی چند تئاتر ایجاد شده و هم مردم برای دیدن آن، وقت و پولشان را هزینه می‌کنند.

آشنرلی با موهای خیلی قرمز

نمایش آشنرلی با موهای خیلی قرمز با نویسندگی فراز مهدیان‌دهکردی درباره دختری است که از سوی خواهر و برادری میان‌سال به نام متیو و ماریلا به سرپرستی پذیرفته می‌شود؛ اما پذیرفتن این موقرمز با مخالفت‌های ماریلا همراه می‌شود، درحالی‌که متیو اصرار دارد باشد؛ هم برای کمک به کارهای خانه و هم اینکه از سوی او تحت تعلیم رقص قرار بگیرد که در آینده مربی رقص شود. اما ماندن با حسادت‌ها و درگیری‌هایی همراه شده و شاید در پایان باعث گشته‌شدن آشنرلی در این خانه می‌شود. رویارویی واقعیت و رؤیا، آشنرلی را در شرایطی پیچیده و روان‌شناسانه قرار می‌دهد. در این مسیر، بسیاری از خواسته‌ها و عقده‌ها نمود پیدا می‌کند و این خواهر و برادر، در اصرار برای با هم زندگی‌کردن باعث از‌دست‌دادن مسیر درست زندگی شده‌اند و حالا دردسرهایی برای خود و آینده رقم زده‌اند. گروه نیز با ترسیم درست بازی‌ها بر خطوط درهم‌تنیده و نقش‌آفرینی‌های تودرتو، بر جاذبه نمایشی اثر افزوده‌اند؛ هرچند می‌شد بازیگر آشنرلی اصراری بر لحن کودکانه نداشته باشد و با بیان بدنی این بازی را رخ‌نمایی کند و شاید این‌گونه باورمندی نقش دوچندان می‌شد. طراحی و کارگردانی امیربه‌پاور اکبرپوردهکردی نیز خلاقه می‌نمود و میزاسن‌هایش هوشمندانه بود؛ چون از پس عبور از خطوط تودرتو و درهم‌تنیده به‌راحتی برمی‌آمدند.

جمع‌بندی

اینکه مشهد قطب تئاتر ایران شده، اتفاق خوبی است و اینکه از آمل و شهرکرد کارهای درجه‌یکی به جشنواره راه افتاده‌اند، جای امیدواری است که در دیگر شهرهای ایران نیز با راه‌اندازی تئاترشهر و فعال‌شدن بخش خصوصی با حمایت وزارت فرهنگ و شهرداری‌ها، شاهد بسامان‌شدن تئاتر باشیم و اگر این توجه‌های لازم و کافی رخ دهد، شاید بتوان در سراسر ایران مانند لیگ فوتبال، قطب‌های درخور تاملی ایجاد کرد که با تئاتر پایتخت برابری کنند.

نمایشگاه هنرمند شهیر آلمانی با نگاهی به حافظ در اصفهان برگزار می‌شود

گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ تلاقی گونتر اوکر و حافظ

«رقصی چنین میانه میدانم آرزوست» را به موزه هنرهای معاصر اصفهان هدیه کرد که این اثر در جریان نمایشگاه اوکر در اصفهان، پردهبرداری می‌شود و در گالری تک‌اثر به نمایش درمی‌آید. این اثر اوکر شبیه این است که در تمامی گنبدهای لاجوردی اصفهان، سر به آسمان کنید و بچرخید و بچرخید تا مانند سماع‌کنندگان به وحدتی در منظر وجودی خود برسید.

زمینه لاجوردی اثر، هیبت گنبدهای شهر را دارد و خط‌های پررنگ و کم‌رنگ طلایی، اشارتی است به فاصله‌ای که میان طالب و مطلوب است. همچنین سوم اسفندماه موزه هنرهای معاصر اصفهان میزبان رویداد جهانی دیگری با عنوان «پروژه جهانی انسان، هنر و کهکشان» برای نمایش یکی از آثار مهم دنیا در زمینه مجسمه‌سازی خواهد بود. اهمیت این مجسمه که به شکل انسان طراحی شده، ازآن‌روست که نسخه‌ای از آن در سال ۱۹۷۱ میلادی توسط فضانورد آپولو ۱۵ به کره ماه رفته و به‌عنوان تنها اثر هنری بر کره ماه قرار گرفته است. یک اِدیشن از این مجسمه توسط شرکت بین‌المللی Art and Culture و با تلاش‌ها و رایزنی‌هایی که آقایان تیل برکتر و افشین درم‌بخش، مدیران این شرکت انجام دادند، به موزه هنرهای معاصر اصفهان هدیه می‌شود. این مجسمه اثر هنرمند نامدار بلژیکی Paul Van Hoyendonck است که اِدیشن‌هایی از آن به موزه‌های برتر دنیا اعطا می‌شود و اکنون موزه هنرهای معاصر افتخار دریافت این مجسمه را به دست آورده است. ازهمین‌رو، بعدازظهر جمعه، سوم اسفند، ساعت ۱۷ در سالن کنفرانس کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان رویداد بزرگی در سطح بین‌المللی اتفاق خواهد افتاد تا این اثر با حضور و سخنرانی آقای تیل برکتر، مدیر شرکت بین‌المللی Art and Culture به موزه هنرهای معاصر اصفهان اهدا شود.



زیر درختان زیتون

صمدیان: جشن تصویر سال به سیاست‌زدگی دچار نشده است



● **گروه هنر:** نشست خبری شانزدهمین جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر، سه‌شنبه، ۳۰ بهمن در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. سیف‌الله صمدیان، دبیر شانزدهمین جشن تصویر سال، در ابتدای این نشست بیان کرد که فضای خانه هنرمندان نسبت به دوره‌های اولیه برگزاری جشنواره خیلی کوچک است؛ چراکه اشتیاق شرکت‌کنندگان خیلی بالا رفته و همه‌ساله این اشتیاق رشد پیدا می‌کند. او ادامه داد: «این جشن فراتر از سیاست رفته و دچار سیاست‌زدگی نشده است. همچنین در مراسم اختتامیه این جشنواره از جناح‌ها و تفکرهای مختلف برنده داریم، بدون اینکه رویکرد فکری شرکت‌کنندگان برای برنده‌شدن در نظر گرفته شود؛ البته خانه هنرمندان و فضایش باعث شده که هر جناحی که شرکت می‌کند در امان باشد و ما نیز خط‌مشی خاصی نداریم. سعی می‌کنیم همه را در کنار هم داشته باشیم». صمدیان ادامه داد: «تصمیم گرفتیم در هر بخش قسمتی را نیز به یاد هنرمند جوان «محسن رسول‌اف» برای هنرمندان زیر سن ۲۵ سال قرار دهیم. این بخش توسط بنیاد رسول‌اف و خانواده او تأمین می‌شود. ما بودجه دولتی نداریم. امسال برگزاری ۱۰ دوره رقابتی را جشن می‌گیریم. در دوره‌های گذشته جوانان بااستعداد زیر ۲۵ سال را در چهار شاخه تصویر کشف کرده‌ایم و این برایمان خوشحال‌کننده است». دبیر جشن تصویر سال بیان کرد که این جشنواره دو بخش فیلم و نمایشگاهی دارد و افزود: «برای ارکان فیلم دو سالن ناصری و شهناز خانه هنرمندان را طی ۲۰ روز در چهار سانس در اختیار داریم. برگزیدگان سه جشنواره فیلم به نام خانه سینما، سینما - حقیقت و مستند نیز در این جشنواره شرکت خواهند داشت. آرشو ۱۰ سال فیلم رقابتی جشنواره موجود است و همچنین در این دوره ۱۰ سال بخش سینما را مرور خواهند کرد». او ادامه داد: «در این دوره پس از پنج سال کتابی از عکس‌های بخش «ایران ما» را که از مناطق مختلف ایران در عرصه‌ها و ابعاد مختلف گرفته شده‌اند، خواهیم داشت. همچنین امسال عکس‌های رده‌های سنی مختلف جداست». او در ادامه پروژه‌های عکاسی منتخب و عکاسان را نام برد: «مونا هوبه فکر، کیمیا رهگذار؛ پرتره، مصطفی نوده؛ پروژه «ما هیچ ما یک نگاه»، ستاره سرداری؛ زندگی روزمره، نرگس آبیار و افشین آریافر عکس‌های فضاسازی از دوره‌های گذشته، ارسلان امامتی و محمدرضا قوام‌پور؛ پروژه‌ای از چهره‌های سینمایی به نام «صورت‌های بی‌نقاب»، دو عکاس از ارومیه درباره خشک‌شدن دریاچه ارومیه به نام «رگه‌های شوره»، احمد معینی‌جم درباره اتفاقات مجلس، میلاد بهشتی و نعیم احمدی درباره تلخی بازی‌های جام ملت‌های آسیا و ...». صمدیان بیان کرد: «همچنین جایزه‌ای به بخش عکاسی مستند اجتماعی و فعالیت خبری به افتخار وحید سهرابی‌ابد به نام «جایزه عکاس مطبوعاتی سال» تعلق گرفته که یک تندیس و یک جایزه نقدی خواهد داشت». او بیان کرد که امسال در مراسم افتتاحیه از رضا میرکریمی تقدیر و از کتاب سه‌جلدی فریم‌به‌فریم سه فیلم گاو، باد صبا و ناخدا خورشید رونمایی خواهد شد. این کتاب توسط انتشارات تصویر ایران به چاپ رسیده است. او همچنین اظهار کرد که فایل اصلی عکس‌های عکاسانی را که در گذر سال‌ها در جشنواره تصویر سال شرکت کرده‌اند در اختیار دارند و قصد دارند این عکس‌ها را با اجازه هنرمندانشان در خارج از کشور به نمایش بگذارند. صمدیان در پایان اعلام کرد، اختتامیه شانزدهمین جشن تصویر سال، هفدهم اسفندماه برگزار خواهد شد.

نکوداشت «مهدی اخوان ثالث» در آستانه ۹۰ سالگی



● **گروه هنر:** کانون ادبی «دورخیز» با همکاری حزب راه ملت، نکوداشت مهدی اخوان‌ثالث را برگزار می‌کند. در این مراسم، دکتر محمدعلی حسینیان، دکتر مینا آقازاده و حسن اسدی‌شیدیز سخنرانی و سیدحامد احمدی و محمدمهدی شاطر‌حسینی نیز شعرخوانی می‌کنند. این مراسم روز پنجشنبه از ساعت ۱۷ در س‌رای محله زرگنده، واقع در خیابان شریعتی، ظفر، خیابان شهید دلیری، نبش کوچه سرو برگزار می‌شود.



۸، ۹، ۱۰ اسفند
چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه

صبح الی ۱۰
صبح الی ۲۰ شب

روزهای رایگان

به نفع دختران معلول ذهنی

شخصیت و هفت‌مین
بازارچه خیریه

مرکز خیریه نگهداری از دختران معلول ذهنی

وحدت

حرفه آموزی و شبانه روزی

تلفن: ۰۱۴-۲۲۹۴۲۱۳۲-۲۲۹۴۷

دسترسی‌ها:
● پاسداران، خیابان شهید اخوان (بوستان دوم)، خیابان شهید افشاری (ساقدوش)، بعد از متروی زین الدین، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۱۱
● میدان هروی، گلستان پنجم، خیابان مجید افشاری (ساقدوش)، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۱۱